

ارائه الگوی مناسب برای شناسایی  
شهرستان‌های کمتر توسعه یافته صنعتی کشور  
در طرح عدالت صنعتی

مجری

مهشید منزوی

همکاران طرح

قدرت طاهری - اکبر افتخاری - فریده باقری - شیما صادقی خواه

مشاور طرح

محمد صادق عوضعلی پور

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده آمار

بهار ۱۳۸۹

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۲	تعریف مسئله
۴	اهمیت و ضرورت موضوع
۵	هدف بررسی
۵	مروری بر مطالعات انجام گرفته
۱۰	روش گردآوری اطلاعات
۱۰	روش تحقیق
۱۰	چارچوب نظری
۱۲	نقاط قوت و ضعف روش‌های مختلف رتبه‌بندی
۱۳	روش <b>TOPSIS</b>
۱۷	استان‌ها براساس آخرین تقسیمات کشوری
۱۹	روش‌های رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور از نظر محرومیت رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور از نظر محرومیت بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی
۱۹	رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور از نظر محرومیت بر اساس شاخص‌های صنعتی
۵۴	رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور از نظر محرومیت بر اساس شاخص‌های تلفیقی (کل شاخص‌ها)
۷۳	نتیجه‌گیری
۸۶	منابع
۸۷	پیوست

## فهرست جداول

<u>صفحه</u>	<u>جدول</u>
۸ .....	جدول (۱): رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور از نظر توسعه یافتگی .....
۱۸ .....	جدول (۲): استان‌ها براساس تقسیمات کشوری در پایان اسفند ۱۳۸۵ .....
۲۰ .....	جدول (۳): شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی .....
۲۱ .....	جدول (۴): رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی .....
۳۷ .....	جدول (۵): شاخص‌های صنعتی .....
۳۸ .....	جدول (۶): رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور براساس شاخص‌های صنعتی، ۱۳۸۵ .....
۵۴ .....	جدول (۷): شاخص‌های اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی، ۱۳۸۵ .....
۵۶ .....	جدول (۸): رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور براساس شاخص‌های اقتصادی_صنعتی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۸۵ .....
۷۵ .....	جدول (۹): فهرست شهرستان‌های کمتر توسعه یافته صنعتی از بین ۳۷۳ شهرستان کشور بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی .....
۱۳۸۵	پیوست: جدول (۱): شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و صنعتی استان‌های کشور - ۱۳۸۵
۸۷ .....	

## مقدمه

محرومیت و نابرابری، پدیده‌ای برخاسته از میزان توسعه نیافتگی است و بر این اساس نیز پدیده‌ای نسبی می‌باشد. در ادبیات جهانی، از این پدیده با واژه‌های «فقر»، «از رشد ماندگی» و ... یاد می‌شود که همه بر این واقعیت تاکید دارند که یک «محدوده جغرافیایی» و یا یک «گروه از انسان‌ها» در مقایسه با شرایط متوسط بهره کمتری دارند. محرومیت را می‌توان از ابعاد مختلف و وجوه گوناگون اندازه‌گیری و ارزیابی کرد، مهم آن است که چه «سنجه» و یا «سنجه‌هایی» باید به کار گرفت که این پدیده را «دقیق‌تر» و «روشن‌تر» تعیین کند.

در ایران بحث و بررسی پیرامون فقر و محرومیت از سال‌های پیش از انقلاب اسلامی و عمدتاً در قالب عدم تعادل‌ها و نابرابری‌های منطقه‌ای آغاز شده است و از آنجا که دولت، در قالب برنامه‌های عمرانی پنجساله پیشگام توسعه در کشور بوده است، نخستین بازتاب‌ها در برابر این پدیده در اسناد برنامه‌ای و توسعه‌ای کشور شکل گرفته است.

پس از انقلاب اسلامی، وجود نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های اجتماعی و منطقه‌ای موجب شد که دولت با شیوه‌های گوناگون به کاهش و تعدیل این پدیده مبادرت ورزد. در عرصه‌های روستایی، دولت با ایجاد نهاد جهاد سازندگی در سال‌های آغازین انقلاب، کار عمرانی و آبادانی در روستاهای کشور را با هدف بهره‌مند ساختن روستاییان از خدمات اجتماعی و زیربنایی شروع کرد. مقوله مناطق محروم و محرومیت‌زدایی از این مناطق از سال‌های اولیه دهه ۱۳۶۰ در نهاد برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور آغاز شد و طی سال‌ها و دهه‌های بعد به یکی از وجوه برنامه‌ریزی و تنظیم بودجه کشور تبدیل گردید.

نقطه آغاز این تلاش «مطالعات شناسایی مناطق محروم» در چارچوب یک طرح پژوهشی در سازمان برنامه و بودجه وقت در سال ۱۳۶۰ بود که طی سال‌های بعد و در مراحل مختلف تداوم یافت. محصول نهایی بررسی‌های سه دهه اخیر شناسایی و تعیین محدوده‌های جغرافیایی در قالب تقسیمات کشوری است که همپای

سیر تحول مطالعات از حوزه‌های جغرافیایی کلان (استان) به حوزه‌های جغرافیایی خردتر (دهستان) و دست آخر به پایین‌ترین واحد تقسیمات کشوری (روستا) رسیده است.

اثرهای کاربردی ناشی از مطالعات مزبور به دو گونه مستقیم و غیرمستقیم قابل طبقه‌بندی می‌باشند. اثرهای مستقیم اعتبارات و اقدامات عمرانی ویژه‌ای است که همه ساله تحت عنوان مناطق محروم برای تأمین نیازهای خدمات اساسی و تجهیز زیربنای اولیه در تبصره‌های مشخصی از قانون بودجه سالانه کشور پیش‌بینی و با استفاده از سازوکارهای معینی به مصرف می‌رسند. از اثرهای غیرمستقیم می‌توان به معافیت‌های مالیاتی برای واحدهای تولیدی، تسهیلات و ترجیحات اعتباری برای راه‌اندازی طرح‌های مولد و اشتغال‌زا و تعیین فوق‌العاده‌های محرومیت از تسهیلات زندگی برای کارکنان شاغل در این مناطق نام برد که همه ساله در تبصره‌های قانونی و آیین‌نامه‌های خاصی مورد تأکید قرار می‌گیرند.

### تعریف مسئله

توسعه مفهومی چند بعدی است که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. برای رسیدن به یک رشد متوازن باید جنبه‌های ذکر شده را به‌طور یکنواخت در نظر گرفت. توجه به یک بعد و نادیده گرفتن ابعاد دیگر موجب عدم تعادل و عدم کارایی در سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود. این موضوع در یک جامعه (کشور یا استان) هم مصداق دارد. بدین معنی که توجه بیش از حد به یک بخش، موجب توجه کمتر یا نادیده گرفتن بخش‌های دیگر می‌شود و در نتیجه مشکلات آمده در بخش‌های نادیده ممکن است به نوعی در بخشی که مورد توجه قرار گرفته است اثرات خود را نشان دهد.

با مروری بر برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن می‌توان به این نتیجه رسید که همواره توسعه متوازن در استان‌های کشور، یکی از اهداف برنامه‌ها بوده و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران متأثر از این موضوع بوده‌اند.

از آنجائی که بنابه دلایل مختلف سرمایه‌گذاری بخش دولتی در استان‌های کشور از سالیان قبل به صورت متوازن صورت نگرفته است، این امر موجب شده که در استان‌های کشور سرمایه‌گذاری، عمران و آبادانی بطور یکسان انجام نگیرد و در نتیجه بعضی نقاط این استان‌ها نسبت به سایر نقاط استان (کشور) وضعیت مطلوبی نداشته باشند و شاخص‌های مختلف توسعه در این نقاط (شهرستان، بخش‌ها و دهستان‌ها) از سطح پایینی برخوردار باشند. برای جبران این محدودیت‌ها (نارسائی‌ها) توجه بیش از پیش دولت از طریق استفاده از ردیف‌های اعتباری و برخی معافیت‌های مالیاتی و اموری از این قبیل، ضروری می‌باشد.

باتوجه به آنچه ذکر شد اهمیت طراحی یک مدلی که بتوان بر اساس آن شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌های کمتر توسعه یافته را در سطح کشور مورد شناسایی قرار داد هویدا می‌شود.

برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در استان‌های کشور تلاش‌های مفیدی از سال‌های گذشته (عمدتاً بعد از انقلاب اسلامی) آغاز شده، به طوری که استان‌هایی که قبل از انقلاب اسلامی کمتر مورد توجه بوده و شاخص‌های مختلف در آنها از سطح پایین‌تری نسبت به متوسط کشور برخوردار می‌باشند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. اختصاص اعتبارات از محل ردیف‌های مختلف اعتباری و همچنین ارائه تسهیلات تکلیفی به این استان‌ها شاهدی بر این ادعا می‌باشد.

بحث عدالت اجتماعی که امروزه در جامعه مطرح است، توجه به نقاط کمتر توسعه یافته را مورد توجه قرار می‌دهد. کم توجهی قبل از انقلاب اسلامی به این استان‌ها و جنگ هشت ساله از مهم‌ترین عواملی هستند که مسائل فوق را سبب شده‌اند. لازم به ذکر است که بعضی از این استان‌ها از نظر امکانات و ظرفیت‌های داخلی دارای شرایطی هستند که عدم تعادل‌ها را شدت بخشیده و باعث شده که سرمایه‌گذاری در این استان‌ها دارای توجیه اقتصادی مورد انتظار نباشد و یا این که یا برخی از شهرستان‌های این استان‌ها دچار مشکلات ساختاری شوند.

برای شناسایی نقاط (شهرستان‌ها) کمتر توسعه یافته باید از یک روش قاعده‌مند استفاده کرد که بر اساس آن بتوان شهرستان‌های کمتر توسعه یافته را جهت ارائه برخی خدمات ویژه و استقرار واحدهای صنعتی شناسایی کرد. در همین راستا، دولت دهم با تعریف طرح عدالت صنعتی به دنبال این هدف است که بتواند با شناسایی شهرستان‌های کمتر توسعه یافته از لحاظ صنعتی، از یک طرف با ایجاد مشوق‌های لازم سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در شهرک‌ها و نواحی صنعتی این شهرستان‌ها تشویق نماید و از طرف دیگر در زمینه توزیع ناعادلانه صنعت در کشور، الگویی به‌کار برد که بخشی از این ناعدالتی‌ها را مرتفع و سبب رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و امیدواری برای مردم این مناطق گردد.

هدف این مطالعه شناسایی این شهرستان‌ها و رتبه‌بندی آنها بر اساس معیارهای مورد قبول برای برنامه‌ریزی و اجرای طرح عدالت صنعتی می‌باشد.

### اهمیت و ضرورت موضوع

برای بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی شهرستان‌هایی که شاخص‌های مختلف توسعه در آن‌ها از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند، طراحی یک مدل که بتواند عدم توسعه یافتگی در شهرستان‌های کشور را نشان دهد از اهمیت خاصی برخوردار است. از طرفی این موضوع که بتوان با یک روش علمی سطح برخورداری (محرومیت) نقاط جغرافیایی (شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌ها) را تعیین و آنها را بر این اساس با هم مقایسه نمود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا بر این اساس می‌توان برای برخی نقاط که از نظر شاخص‌های مختلف برخوردار نمی‌باشند امتیازهای ویژه در نظر گرفت. از جمله این امتیازها می‌توان به بخشودگی مالیات سرمایه‌گذاری، اختصاص برخی فوق‌العاده‌های ویژه به کارکنان بخش دولتی این مناطق استقرار واحدهای صنعتی مبتنی بر مزیت‌های منطقه‌ای اشاره کرد.

بطور کلی شناسایی مناطق محروم (کمتر توسعه یافته) کشور در راستای تأمین اهداف زیر انجام می‌گیرد:

الف- شناسایی محدوده‌هایی که برای ایجاد، تقویت و گسترش زمینه‌های تولید، اشتغال و بهبود شرایط اقتصادی نیازمند توجه ویژه دولت از طریق تأمین انگیزه‌های مالیاتی، عوارض دولتی و تسهیلات اعتباری می‌باشند.

ب- شناسایی محدوده‌هایی که برای تامین و تقویت نیروی انسانی لازم در بخش عمومی نیازمند ارائه فوق‌العاده‌های ویژه به کارکنان شاغل این محدوده‌ها می‌باشد.  
با توجه به آنچه گفته شد انجام پژوهش فوق در راستای توسعه مناطق مذکور و اجرای طرح عدالت صنعتی ضروری می‌باشد، تا بتوان بخشی از عدم تعادل‌ها را در بخش صنعت با اجرای این طرح جبران نمود.

### **هدف بررسی**

در این بررسی هدف ارائه یک روش منطقی به منظور تعیین سطح برخورداری شهرستان‌ها می‌باشد. در اینجا شهرستان‌ها در کشور از دیدگاه توسعه یافتگی مورد ارزیابی قرار گرفته و درجه توسعه آن‌ها براساس یکسری شاخص محاسبه می‌گردد. پس از شناسایی شهرستان‌های توسعه نیافته (محروم)، علاوه بر انجام اقداماتی در رابطه با واگذاری برخی امتیازها به مناطق مذکور، برنامه‌های مناسبی در راستای کاهش عدم تعادل و توازن‌های منطقه‌ای نیز اتخاذ خواهد شد.

### **مروری بر مطالعات انجام گرفته**

سابقه مطالعات مناطق محروم (شناسایی مناطق محروم) و یا به عبارت دیگر عدم تعادل‌های منطقه‌ای به سال‌های قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد. مشاهده عدم تعادل‌های منطقه‌ای قبل از انقلاب باعث شد که در برنامه سوم و چهارم عمرانی به منظور توسعه مناطق مستعد کشور با ایجاد سازمان‌های عمران منطقه‌ای متعدد، اقداماتی برای کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای، به مرحله اجرا درآید و طی برنامه عمرانی پنجم، مطالعات آمایش سرزمین به منظور تهیه برنامه‌ای با ابعاد منطقه‌ای برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای انجام شد و در تهیه برنامه



پنجساله ششم عمرانی کشور، نتایج مطالعات آمایش سرزمین ملحوظ شد که این برنامه با وقوع انقلاب اسلامی متوقف شد.

وجود نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای موجب شد که پس از انقلاب اسلامی با ایجاد نهاد انقلابی جهادسازندگی، درصدد کاهش نابرابری‌های موجود برآیند و در ادامه آن، مقوله مناطق محروم از سال‌های اولیه دهه ۱۳۶۰ در برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور جایگاه خاص خود را باز کند. این مطالعات مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. محصول نهایی بررسی‌هایی که در دو دهه اخیر به عمل آمده شناسایی و تعیین محدوده‌های جغرافیایی در قالب تقسیمات کشوری بود که این مطالعات برای ملحوظ نمودن تجانس و همگنی بین مناطق از حوزه‌های جغرافیایی استان به حوزه‌های جغرافیایی شهرستان و بخش و پس از آن به حوزه‌های جغرافیایی خردتر (دهستان) رسیده است.

در پژوهشی<sup>۱</sup> که در سال ۱۳۸۰ توسط دفتر امور عمران شهری و روستایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، برای شناسایی مناطق کمتر توسعه یافته کشور انجام شده است، با استفاده از ۲۵ شاخص در زمینه‌های اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، ورزشی، توریستی و اقتصادی ۲۹۰ شهرستان رتبه‌بندی شده‌اند.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد علاوه بر این که در بین استان‌های کشور عدم توازن منطقه‌ای وجود دارد در بین شهرستان‌های یک استان نیز فاصله بسیار زیادی وجود دارد. از این رو عدم توجه به توازن منطقه‌ای در طی سال‌های گذشته در سطح استانی و شهرستان‌ها همچنان مشاهده می‌شود. نتایج این رتبه‌بندی در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

در ستون دوم جدول رتبه شهرستان‌های هر استان، در بین تمام شهرستان‌های کشور مشخص شده است. نکته قابل توجه این که در هر استان، شهرستانی که مرکز استان در آن قرار دارد از نظر سطح توسعه یافتگی با سایر شهرستان‌های استان، متفاوت است. به نظر می‌رسد هر چه فاصله شهرستان‌ها از شهرستان مرکزی بیشتر

---

<sup>۱</sup> این مطالعه در شهریور ۱۳۸۰ در دفتر امور عمران شهری و روستایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انجام گرفته است.

باشد اختلاف نیز بیشتر و این تفاوت در برخی استان‌ها بسیار چشمگیر است. در استان‌هایی از کشور، حتی شهرستانی که مرکز استان در آن قرار دارد از نظر سطح برخورداری در ردیف شهرستان‌های کمتر توسعه یافته می‌باشد. این امر توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را در طراحی برنامه‌های توسعه، بیشتر می‌طلبد.

جدول (۱): رتبه‌بندی شهرستان‌های کشور از نظر توسعه یافتگی

رتبه شهرستان‌های استان	استان
۱۲-۵۸-۷۱-۸۷-۸۹-۹۲-۱۰۰-۱۰۴-۱۱۶-۱۳۹-۱۴۱-۱۷۷-۲۱۱-۲۱۵-۲۴۱-۲۸۲	آذربایجان شرقی
۴۸-۶۳-۱۲۴-۱۳۸-۱۴۷-۱۸۰-۲۲۰-۲۲۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۴۰-۲۴۹-۲۵۶-۲۵۷-۲۷۵	آذربایجان غربی
۵۷-۱۱۲-۱۳۳-۱۷۰-۲۰۳-۲۰۷-۲۴۳-۲۵۵-۲۷۰	اردبیل
۳-۶-۱۳-۲۵-۳۰-۳۶-۴۳-۵۰-۵۳-۵۴-۷۲-۷۳-۷۹-۱۰۳-۱۲۸-۱۳۶-۱۸۷-۲۱۷-۲۲۸	اصفهان
۶۷-۱۷۸-۲۲۵-۲۴۶-۲۶۲-۲۶۸-۲۶۹	ایلام
۲۳-۱۸۱-۲۱۶-۲۲۹-۲۳۲-۲۳۷-۲۳۹-۲۵۴	بوشهر
۱-۱۸-۲۱-۳۷-۴۱-۴۴-۴۵-۵۲-۶۰-۶۶-۶۹-۹۹	تهران
۳۳-۵۵-۱۴۶-۲۰۱-۲۵۹	چهارمحال و بختیاری
۸-۶۸-۸۳-۹۴-۹۵-۱۰۹-۱۱۱-۱۲۵-۱۲۶-۱۳۲-۱۵۰-۱۵۸-۱۶۵-۱۶۷-۱۶۸-۱۷۹-۱۸۸-۱۹۰-۱۹۴-۲۰۲-۲۲۴-۲۳۳-۲۵۸-۲۶۰-۲۷۸	خراسان
۲-۲۲-۹۳-۱۰۸-۱۲۱-۱۴۳-۱۶۰-۱۷۳-۱۸۳-۲۰۰-۲۱۰-۲۵۰-۲۵۳-۲۷۱-۲۷۶-۲۸۳	خوزستان
۲۹-۶۴-۱۴۵-۱۷۵-۱۸۹-۲۲۱-۲۲۲	زنجان
۱۱-۲۴-۴۰-۴۶	سمنان
-۲۶۵-۲۷۹-۲۸۴--۲۸۹-۲۸۸-۲۸۷-۲۸۶-۱۰۷	سیستان
۷-۴۷-۱۰۱-۱۰۵-۱۳۱-۱۳۴-۱۴۹-۱۵۶-۱۶۱-۱۶۴-۱۷۴-۱۸۲-۱۹۵-۱۹۷-۲۰۴-۲۰۸-۲۳۱-۲۳۶-۲۳۸	فارس
۳۲-۱۱۴-۱۲۷	قزوین
۴	قم
۵۶-۱۵۹-۱۶۹-۱۷۲-۲۰۹-۲۱۹-۲۴۲-۲۷۷	کردستان
۹-۲۷-۶۱-۷۵-۹۸-۱۴۸-۱۵۵-۱۹۶-۲۰۵-۲۰۶-۲۱۸	کرمان
۷۴-۱۲۹-۱۵۷-۱۹۸-۲۱۳-۲۱۴-۲۴۵-۲۵۱-۲۶۶-۲۶۷-۲۷۲	کرمانشاه
۱۱۰-۱۲۳-۱۹۳-۲۶۳	کهگیلویه
۲۸-۸۲-۸۶-۱۰۲-۱۵۳-۱۹۹-۲۲۶-۲۳۰-۲۶۱	گلستان
۱۴-۴۹-۷۶-۸۵-۹۱-۱۰۶-۱۱۵-۱۲۲-۱۴۰-۱۴۲-۱۵۴-۱۷۶-۱۸۵-۲۲۷-۲۴۷-۲۴۸	گیلان
۷۸-۹۰-۱۶۳-۲۱۲-۲۴۴-۲۵۲-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۵	لرستان
۱۵-۳۹-۵۱-۶۲-۶۵-۷۰-۸۰-۸۱-۸۴-۸۸-۹۷-۱۱۷-۱۲۰-۱۶۶-۱۷۱	مازندران
۱۷-۲۶-۳۴-۵۹-۷۷-۹۶-۱۳۰-۱۳۵	مرکزی
۳۵-۱۵۱-۱۸۴-۱۹۱-۲۶۴-۲۷۳-۲۷۴-۲۹۰	هرمزگان
۱۹-۱۱۳-۱۱۸-۱۱۹-۱۳۷-۱۴۴-۱۶۲-۱۸۶	همدان
۵-۱۰-۱۶-۲۰-۳۱-۳۸-۴۲-۱۵۲-۱۹۲	یزد

در مقاله‌ای که توسط قدرت طاهری<sup>۱</sup> در چهارمین کنفرانس آمار ایران ارائه شده است، با استفاده از ۱۲ شاخص اقتصادی - اجتماعی مربوط به استان‌های کشور که از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ به دست آمده به روش تحلیل عاملی، رتبه‌بندی استان‌های کشور به شرح زیر بوده است:

۱ - تهران ۲ - یزد ۳ - اصفهان ۴ - سمنان ۵ - آذربایجان شرقی ۶ - قم ۷ - گیلان ۸ - مرکزی ۹ - خراسان ۱۰ - مازندران ۱۱ - فارس ۱۲ - همدان ۱۳ - زنجان ۱۴ - چهارمحال و بختیاری ۱۵ - بوشهر ۱۶ - آذربایجان غربی ۱۷ - کرمان ۱۸ - کرمانشاه ۱۹ - اردبیل ۲۰ - کردستان ۲۱ - خوزستان ۲۲ - هرمزگان ۲۳ - لرستان ۲۴ - ایلام ۲۵ - کهگیلویه و بویراحمد ۲۶ - سیستان و بلوچستان

بر این اساس می‌توان گفت تفاوتی که بین استان‌های کشور از نظر توسعه یافتگی وجود دارد و ترتیب سطح برخورداری استان‌ها از نظر شاخص‌های عمده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اکثر مطالعات تقریباً به یک شکل نشان داده شده است. بنابراین عدم تعادل‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بین استان‌ها، باعث شده برخی استان‌ها به عنوان برخوردار و برخی دیگر کمتر توسعه یافته شناسایی شوند.

روند رشد شهرنشینی در سه دهه اخیر در کشور و مهاجرت بی‌رویه روستاییان به مناطق شهری، ممکن است مسایلی را در این نقاط به وجود آورد. از طرفی اگر آرایه خدمات عمومی در راستای افزایش جمعیت شهری نباشد، ناهنجاری‌های اجتماعی بروز نموده و این خود از مهم‌ترین موانع توسعه یافتگی در کشور خواهد بود. با توجه به آنچه گفته شد برای ارتقاء سطح رفاه در جامعه، باید به عدم تعادل‌های بوجود آمده بین استان‌های کشور توجه داشت و به نوعی باید در آرایه خدمات بین نقاط شهری و روستایی تعادل برقرار کرد. علاوه بر این با توجه به وسعت زیاد کشور و تنوع اقلیم، با جلب مشارکت ساکنین نواحی مختلف در امر توسعه و ساماندهی امور، می‌توان شاهد بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌های کمتر توسعه کشور بود.

---

<sup>۱</sup> قدرت طاهری - «تحلیل عاملی و توسعه یافتگی استان‌های کشور» چهارمین کنفرانس بین‌المللی آمار - شهریور ۱۳۷۷

## روش گردآوری اطلاعات

در انجام این پژوهش از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ و سالنامه آماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران استفاده شده است. بنابراین با توجه به رسمی بودن منابع آماری فوق می‌توان بر درستی شاخص‌هایی که بر اساس این داده‌ها محاسبه شده‌اند اطمینان بالایی داشت. از طرفی مرکز آمار ایران مرجع قانونی و رسمی داده‌های آماری در کشور می‌باشد.

## روش تحقیق

در این مطالعه ابتدا شاخص‌های توسعه انتخاب می‌شوند. در این جا شاخص‌ها به نحوی در نظر گرفته می‌شوند که سطح توسعه را از دیدگاه منطقه‌ای اندازه‌گیری نمایند. شاخص‌ها با دو سمت و سو برای سنجش سطح توسعه مورد استفاده واقع شده‌اند. اولین دسته آن‌هایی هستند که با سطح توسعه هم سو می‌باشند. این گونه شاخص‌ها به طور مسقیم در مدل قرار می‌گیرند. اما دسته دوم شاخص‌هایی هستند که در خلاف جهت توسعه عمل می‌نمایند، در مدلی که براساس آن عمل رتبه‌بندی انجام گرفته است به این موضوع توجه شده است.

## چارچوب نظری

جهت سنجش توسعه نواحی و حوزه‌های جغرافیایی روش‌های متفاوت و گوناگونی وجود دارد ولی با این همه می‌توان گفت تعداد آنها زیاد نیست. با توجه به این که مفهوم توسعه یک مفهوم نسبی است، نمی‌توان آن را به عنوان یک مفهوم مطلق بکار گرفت. اگر مفهوم توسعه مطلق بود، امکان اظهار نظر در رابطه با توسعه یافته‌ترین یا توسعه نیافته‌ترین میسر نمی‌شد زیرا با فرض مطلق بودن توسعه فقط می‌توان از توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی یک منطقه صحبت کرد.

تمامی الگوهایی که جهت طبقه‌بندی<sup>۱</sup>، سطح‌بندی<sup>۲</sup> و گروه‌بندی<sup>۳</sup> حوزه‌های جغرافیایی بکار گرفته شده‌اند، پذیرش این فرض که توسعه امری نسبی است به طبقه‌بندی، گروه‌بندی و سطح‌بندی مناطق جغرافیایی اقدام کرده‌اند. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان مناطق (حوزه‌های) جغرافیایی را از نظر شاخص‌های مورد مطالعه (توسعه) با یکدیگر مقایسه نمود.

متداول‌ترین روش‌ها برای تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق (حوزه‌های) جغرافیایی که در قالب مطالعات مرتبط با توسعه یافتگی بکار گرفته می‌شوند عبارتند از روش امتیاز استاندارد شده<sup>۴</sup>، شاخص ناموزون موریس<sup>۵</sup>، تاکسونومی عددی<sup>۶</sup>، تحلیل عاملی<sup>۷</sup>، تحلیل خوشه‌ای<sup>۸</sup> و TOPSIS<sup>۹</sup>.

متغیرهایی که در این مطالعه، با استفاده از آنها، شهرستان‌ها و بخش‌های مختلف رتبه‌بندی می‌شوند دارای مقیاس فاصله‌ای (نسبتی) می‌باشند. بنابراین می‌توان با یک روش علمی و شناخته شده، رتبه‌بندی را براساس آنها انجام داد و از طرفی نتایج بدست آمده از نظر آماری از سطح اطمینان بالایی برخوردار هستند. برای حل مسایلی از قبیل رتبه‌بندی مناطق (استان‌ها، شهرستان‌ها و ...) باید یک رویکرد علمی را مورد نظر قرار داد. رویکرد علمی به این معنی است که از یک طرف سلسله مراتب علم بر آن حاکم است و از طرفی نتایج آن منطقی است و نتیجه منطقی از دو ویژگی برخوردار است.

الف) دارای اعتبار است، یعنی آن چیزی که درصدد اندازه‌گیری آن هستیم می‌سنجد.

ب) پایایی دارد یعنی نتایج آن قابل تکرار است. (در هر تکرار نتیجه‌ای مشابه به دست می‌آید)

---

<sup>۱</sup> Classification

<sup>۲</sup> Ranking

<sup>۳</sup> Clustering

<sup>۴</sup> Standard Score

<sup>۵</sup> moris index

<sup>۶</sup> Numeric Taxonomy

<sup>۷</sup> Factor Analysis

<sup>۸</sup> Cluster Analysis

<sup>۹</sup> Technique For Order Preferences by Similarity To Ideal Solution

## نقاط قوت و ضعف روش‌های مختلف رتبه‌بندی

با توجه به این‌که در این بررسی باید یکی از روش‌های متداول تعیین درجه توسعه‌یافتگی انتخاب و علت آن نیز ذکر شود در ادامه به بررسی روش‌های مورد نظر پرداخته می‌شود.

اولین روشی که بیان شد روش امتیاز استاندارد است. در این روش بدون در نظر گرفتن اهمیت شاخص‌ها، شاخص‌ها استاندارد شده و با هم جمع می‌شوند، براساس حاصل جمع بدست آمده در رابطه با گزینه‌های مختلف تصمیم‌گیری می‌شود. اشکال عمده این روش یکسان در نظر گرفتن شاخص‌ها می‌باشد. لذا کاربرد روش فوق وقتی مناسب است که کلیه شاخص‌ها یکسان بوده و نسبت به یکدیگر تفاوتی نداشته باشند.

شاخص ناموزون موريس شاخص‌ها را با توجه به حداکثر و حداقل آنها استاندارد می‌کند به طوری که در پایان مقدار شاخصی که ماکزیمم بوده یک و مقدار شاخص مینیمم به صفر تبدیل می‌گردد و مقدار سایر شاخص‌ها بین صفر و یک قرار می‌گیرد. اشکال عمده این روش این است که اهمیت شاخص‌ها را در نظر نمی‌گیرد و چون مقدار شاخص با مقدار کمترین صفر می‌گردد، بنابراین این شاخص در محاسبات بعدی در نظر گرفته نمی‌شود.

تاکسونومی عددی یکی از اولین روش‌هایی است که برای رتبه‌بندی بکار گرفته شد. در این روش باید همه متغیرهای مورد مطالعه هم‌سو باشند. به عبارت دیگر اگر برخی از متغیرها (شاخص‌ها) با سایرین هم‌سو نباشند، باید با روش‌های ریاضی هم‌سو گردند. از آنجا که ممکن است روش هم‌سو کردن دقیق نباشد بنابراین مقدار واقعی شاخص‌ها در نظر گرفته نمی‌شود، از طرفی فاصله تمام شاخص‌ها با بیشترین مقدار شاخص در مجموعه مورد مطالعه محاسبه می‌گردد. دو اشکال فوق باعث می‌شود که نتیجه بدست آمده چندان دقیق نباشد.

تحلیل عاملی یکی از روش‌های پیشرفته آماری می‌باشد، در این روش تعداد عامل‌هایی که استخراج می‌شوند برابر تعداد متغیرهای اولیه است، از طرفی همه عامل‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، تنها عامل‌هایی

مورد استفاده قرار می‌گیرند که بردار ویژه نظیر آنها بیشتر از یک باشد، در اینجا مقدار زیادی از اطلاعات خود به خود از بین می‌رود. علاوه بر این متغیرهایی مورد مطالعه باید مستقل از هم باشند که اگر این شرط رعایت نشود، نمی‌توان به نتیجه حاصل از تحلیل عاملی استناد کرد. تحلیل خوشه‌ای نیز یکی دیگر از روش‌های پیشرفته آماری است که برای طبقه‌بندی متغیرها (شاخص‌ها) به کار می‌رود.

با توجه به این‌که روش TOPSIS فارغ از اشکالات ذکر شده برای سایر روش‌ها است و در این روش علاوه بر تعیین اهمیت هر کدام از شاخص‌ها، فاصله شاخص‌های مورد مطالعه از بیشترین و کمترین آنها نیز محاسبه می‌گردد، لذا این روش برای رتبه‌بندی شهرستان‌ها و بخش‌های مورد مطالعه انتخاب شده است که در ادامه این روش شرح داده می‌شود.

## روش TOPSIS<sup>۱</sup>

در دو دهه اخیر، محققین به مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره<sup>۲</sup> بیش از پیش توجه کرده‌اند، در این گونه تصمیم‌گیری‌ها چندین معیار که گاه با هم متضاد هستند در نظر گرفته می‌شوند و در زمینه مسائل عمومی یک جامعه، نظیر برنامه توسعه آبی می‌تواند بر اساس معیارهایی چون هزینه، احتمال کمبود آب، انرژی (میزان استفاده از جنگل و زمین، کیفیت آب، حفاظت از مواد غذایی و غیره صورت گیرد، یعنی موارد ذکر شده به عنوان معیار آن مورد توجه قرار می‌گیرند.

در زمینه مسائل دولتی، بخش حمل و نقل کشوری باید سیستم حمل و نقل را به گونه‌ای طراحی کند که زمان سفر، تاخیرات، هزینه حمل و نقل و غیره حداقل شود.

موارد فوق بخش‌هایی از کاربرد تصمیم‌گیری‌های چند معیاره را شامل می‌شوند. به طور کلی روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (MCDM) به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

---

<sup>۱</sup> تصمیم‌گیری کاربردی - عادل آذر - نگاه دانش - ۱۳۸۰

<sup>۲</sup> - Multiple Criteria Decision Making



۱) مدل‌های تصمیم‌گیری چند هدفه<sup>۱</sup>، در این مدل‌ها تصمیم‌گیری در خصوص چندین هدف به طور هم‌زمان جهت بهینه شدن، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲) مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه<sup>۲</sup>، در این مدل‌ها، انتخاب یک گزینه از بین گزینه‌های موجود مد نظر است. در یک تعریف کلی تصمیم چند شاخص به تصمیمات کافی خاصی (از نوع ترجیحی) مانند ارزیابی، اولویت‌گذاری و یا انتخاب از بین گزینه‌های موجود اطلاق می‌گردد.

انواع مختلفی از مسائل MADM وجود دارند که تمامی آنها در خصوصیات زیر مشترک هستند.

۱) گزینه‌ها:

در این مسائل تعدادی مشخص گزینه باید مورد بررسی قرار گرفته و در مورد آنها اولویت‌گذاری، انتخاب یا رتبه‌بندی صورت گیرد، تعداد گزینه‌های مورد نظر می‌تواند محدود و یا خیلی زیاد باشد.

۲) شاخص‌های چندگانه:

هر مسئله MADM چند شاخص دارد که تصمیم‌گیرنده، باید آن‌ها را کاملاً مشخص کند. تعداد شاخص‌ها بستگی به ماهیت مسئله دارد. برای مثال، در یک مسئله خرید اتومبیل اگر قرار به ارزیابی چند اتومبیل باشد شاخص‌های مختلف قیمت، میزان سوخت مصرفی، نحوه ضمانت و ساخت ممکن است مد نظر باشند (در اینجا چند شاخص محدود در نظر گرفته شده‌اند)، در حالی که در یک مسئله مکان‌یابی برای یک طرح کارخانه ممکن است ۱۰۰ شاخص یا بیشتر مورد نظر باشند.

۱) واحدهای مقیاس:

هر شاخص نسبت به شاخص دیگر دارای مقیاس اندازه‌گیری متفاوت است. لذا جهت معنی‌دار شدن محاسبات و نتایج از طریق روش‌های علمی اقدام به بی‌مقیاس کردن داده‌ها می‌شود به گونه‌ای که اهمیت نسبی داده‌ها حفظ گردد.

---

<sup>۱</sup> - Multiple Objective Decision Making

<sup>۲</sup> - Multiple Attribute Decision Making

(۲) وزن شاخص‌ها:

تمامی روش‌های MADM مستلزم وجود اطلاعاتی هستند که بر اساس اهمیت نسبی هر شاخص به دست آمده باشند. این اطلاعات معمولاً دارای مقیاس ترتیبی یا فاصله‌ای هستند. وزن‌های مربوط به شاخص‌ها می‌توانند مستقیماً توسط تصمیم‌گیرنده و یا به وسیله روش‌های علمی موجود به معیارها تخصیص داده شود. این وزن‌ها اهمیت نسبی هر شاخص را بیان می‌کنند.

انواع روش‌های MADM

به طور کلی، مدل‌های MADM به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند:

(۱) روش‌های جبرانی<sup>۱</sup>

(۲) روش‌های غیر جبرانی<sup>۲</sup>

روش‌های جبرانی به آن دسته از مدل‌های MADM گفته می‌شود که در آنها تبادل بین شاخص‌ها صورت می‌گیرد بدین معنی که تغییر در یک شاخص توسط تغییری مخالف (در جهت عکس) در شاخص یا شاخص‌های دیگر جبران می‌شود.

روش‌های جبرانی، روش‌هایی مانند میانگین وزنی ساده، ELECTRE, TOPSIS، تخصیص خطی، AHP و غیره است.

روش‌های غیر جبرانی، آن دسته از مدل‌های MADM هستند که در آنها تبادل بین شاخص‌ها صورت نمی‌گیرد. بدین معنی که نقطه ضعف موجود در یک شاخص توسط مزیت موجود در شاخص دیگر جبران نمی‌شود بلکه هر شاخص جدا از دیگر شاخص‌ها مبنای ارزیابی گزینه‌های رقیب قرار می‌گیرد.

روش TOPSIS همان‌طور که گفته شده یکی از روش‌های جبرانی از مدل‌های MADM می‌باشد. این روش در سال ۱۹۸۱ توسط هوانگ و یون<sup>۱</sup> ارائه گردید. در این روش  $m$  گزینه به وسیله  $n$  شاخص مورد ارزیابی قرار

---

<sup>۱</sup> - Compensatory Methods

<sup>۲</sup> - Non Compensatory Methods